ش

جناب افنان و افنان علیهما بهآء اللّه

صحیفة اللّه المهیمن القیّوم

هو النّاطق من افقه الاعلی

کتاب انزله المظلوم لیقرّب الکلّ الی اللّه المهیمن القیّوم قد ظهر ما کان مخزوناً فی علم اللّه و مستوراً عن الافئدة و العیون قد اتی الیوم و القوم انکروا حجّة اللّه و برهانه بما اتّبعوا کلّ غافل مردود نبذوا کتاب اللّه ورآئهم و ارتکبوا ما ناح به المقرّبون قد عملوا ما نُهوا عنه فی کتاب اللّه و ترکوا ما اُمروا به الا انّهم من الّذین نقضوا المیثاق و العهود قل یا ملأ الارض اتّقوا اللّه و لا تتّبعوا مظاهر الاوهام و الظّنون انظروا انظروا انّ الشّمس تنطق امام وجوهکم و تدعوکم الی مقامها المحمود خافوا اللّه و لا تنکروا الّذی بشّرت بظهوره کتب اللّه من قبل و من بعد و نطق بثنآئه المرسلون

یا حسین انّ المظلوم ینادیک من شطر السّجن و یعزّیک فیما ورد علیک انّ ربّک هو الصّبّار یأمرک بالصّبر و الاصطبار و هو الآمر فیما کان و ما یکون اسمع النّدآء من شطر عکّآء انّه ینطق فی کلّ شأن انّه لا اله الّا هو مالک الغیب و الشّهود لا یعزب عن علمه من شئ یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو المقتدر العزیز الودود ایّاک ان تحزنک حوادث العالم او تزلّک شبهات الّذین انکروا کتاب اللّه و ظهوره الا انّهم لا یشعرون خذ الکتاب بقوّة من عند اللّه انّه یأمرک بالبرّ و التّقوی و هو الفرد الواحد العزیز المحبوب قد ظهر و اظهر ما یقرّب النّاس الی صراطه الممدود قم علی خدمة الامر ثمّ اذکره بالحکمة و البیان بحیث تنجذب به الافئدة و القلوب ایّاک ان تمنعک ضوضآء العباد او حجبات الّذین کفروا بالشّاهد و المشهود قل تاللّه قد خرقت الاحجاب و اتی الوهّاب فی المآب بامر لا تقوم معه الصّفوف و الجنود قل هذا یوم وُعدتم به فی کتب القبل و بشّرکم به محمّد رسول اللّه بقوله یوم یقوم النّاس لمالک الملکوت انّا انزلنا الآیات و اظهرنا البیّنات و القوم اکثرهم لا یفقهون هذا یوم الاقبال ولکنّ القوم عنه معرضون وضعوا الههم و اتّبعوا اهوآئهم الا انّهم لا یشعرون کفروا بنعمة اللّه بعد ظهورها و انکروا آیاته بعد انزالها یشهد بذلک لسان العظمة فی الافق الاعلی ولکنّ القوم هم لا یسمعون لعمر اللّه لو سمعوا سرعوا الی مقام تنطق ذرّاته قد اتی الوعد و هذا هو الموعود

انّ قلمی الاعلی اراد ان یذکر افنانه الّذی صعد الی الرّفیق الاعلی من قضآء اللّه المحتوم نشهد انّه سمع النّدآء اذ ارتفع بین الارض و السّمآء و فاز بما فاز به عباد مکرمون و اعترف بوحدانیّته و فردانیّته و بما نطق به لسان العظمة فی مقامه المرفوع انّه طهّره حین صعوده و غفره فضلاً من عنده و قدّر له فی الجنّة العلیا مقاماً لا تحویه الافکار و العقول طوبی لک یا افنانی بما ورد علیک فی اوّل الایّام انّ ربّک هو الحقّ علّام الغیوب قد شهد ما ورد علیک و حفظک بسلطان من عنده الی ان جآء الوعد و ما قدّر لک فی لوح محفوظ یا اباالقاسم علیک بهآء اللّه و بهآء انبیآئه و اصفیآئه و بهآء الّذین طافوا العرش فی الاصیل و البکور اوّل موج ارتفع من بحر الکرم من لدن مالک القدم علیک یا ایّها المتمسّک بحبل الفضل فی ایّام اللّه مالک الملکوت نسئله تعالی ان ینزل علیک فی کلّ حین رحمة من عنده و یقدّر لک ما تقرّ به العیون کذلک نطق لسان المظلوم فی هذه اللّیلة الدّلمآء امراً من لدی اللّه مالک الوجود انّا للّه و انّا الیه راجعون

از لغت تازی بپارسی توجّه نمودیم تا کلّ مقصود را بیابند و بیایند یا افنانی محزون مباش از آنچه وارد شده عالم در جمیع احیان دفتر خود را مینماید و باعلی النّداء بر فنای خود گواهی میدهد و اهل خود را پند میگوید و نصیحت میکند طوبی از برای اُذنیکه باصغاء ندایش موفّق شد چه که اگر انسان فی ‌الحقیقه حوادثات و تغییرات عالم را مشاهده نماید و بیابد خود را بر عرش اطمینان مستریح مشاهده کند از فنا ببقا راجع شود و از ذلّت کبری بعزّت عظمی دل بندد عالم و آنچه در اوست او را تغییر ندهد للّه الحمد از برای شما مقدّر شده آنچه شبه و مثل نداشته سدرهٴ مبارکه شما را از افنان ذکر نموده و قبول فرموده این فضل عظیم است و این مقام کبیر باسم قادر یکتا حفظش نما شأن شما ترویج و تبلیغ امر اللّه است این مظلوم از اوّل ایّام ذکر افنان را بلند نمود صحف شاهد و الواح منزله گواه

در بلایای وارده و مصیبات نازلهٴ بر مظلوم تفکّر نما از اوّل ایّام امام وجوه انام از امرا و علما قیام فرمود و لوجه اللّه من غیر ستر و حجاب کلّ را بافق اعلی دعوت نمود از قیامش مقصود اعلاء کلمه بوده و از ندایش تقرّب وجود بمالک غیب و شهود بر اهل بصر و اصحاب منظر اکبر واضح و مشهود است که در هیچ امری از امور از برای خود مقصودی نبوده و نیست یشهد بذلک عملی امام وجوه العالم و ارتفاع ندآئی بین الامم و چون اشراقات انوار آفتاب حقیقت از افق سماء ظهور ظاهر جمیع احزاب بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و وارد آوردند آنچه را که غیر حق آگاه نه سبحان‌ اللّه از اهل بیان وارد شد آنچه که قلم از ذکرش عاجز و قاصر است

بعضی در ذکر الوهیّت و ربوبیّت اعتراض نموده‌اند قل یا ملأ البیان لعمر الرّحمن انّه ما اراد ذکراً من الاذکار الّا لتقرّب العباد و توجّههم الی اللّه مالک یوم المآب صمت نزد مظلوم محبوب بوده و هست چه که آذانیکه الیوم لایق این ندا باشد کمیاب یشهد بذلک کلّ منصف بصیر ولکن حضرت مبشّر یعنی نقطهٴ وجود در اوّل بیان میفرماید الّذی ینطق فی کلّ شأن انّنی انا اللّه لا اله الّا انا ربّ کلّ شئ و انّ ما دونی خلقی ان یا خلقی ایّای فاعبدون و همچنین در جواب یکی از حروف حیّ در ذکر من یظهره اللّه میفرماید انّنی انا اوّل العابدین مکرّر این بیانات را فرموده‌اند قسم بآفتاب حقیقت اگر ذکر آن حضرت نبود این مظلوم در این مقامات صمت اختیار میفرمود الّا لاهله سبحان ‌اللّه عرفان اهل بیان از عرفان اهل فرقان پست‌تر مشاهده میشود چه که آن حزب کلمهٴ انّنی انا اللّه را از شجر قبول نمودند و این فئه از سدرهٴ وجود و مالک غیب و شهود این کلمه را نمی‌پذیرند نفوسیکه بامثال این کلمات القای شبهه مینمایند مقصودشان عند اللّه مشهود و واضح است انّه هو السّتّار الصّبّار المشفق الکریم قل لا یعزب عن علمه شئ و لا یعجزه امر یشهد و یری و هو السّمیع البصیر یا افنانی نسئله تعالی ان یوفّقک و یؤیّدک و یقدّر لک ما تفرح به القلوب و تقرّ به العیون

و در آخر لوح وصیّت مینمائیم شما را بآنچه سبب ارتفاع و ارتقا است و آن مشورت در امور است اگر با حضرت افنان علیه بهائی و عنایتی و رحمتی در امور مشورت نمائید لدی اللّه محبوب و مقبول است سوف یصلح اللّه امورکم و یقرّبکم الیه و یظهر لکم ما کان مستوراً عن اعین النّاظرین الحمد للّه ربّ العالمین

منتسبین طرّاً را از قبل مظلوم تکبیر برسان البهآء المشرق من افق سمآء رحمتی علی افنانی الّذین ما نقضوا عهدی و میثاقی و عملوا بما امروا به فی کتابی المبین الامر للّه المقتدر القویّ الغالب القدیر

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۸ فوریه ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر